



سوره مبارکه بقره

جلسه نهم: ۹۳/۷/۱۵

- آیات ۱۸۰ تا ۱۹۵ در این جلسه مورد بررسی قرار گرفت:

آیات ۱۸۰ تا ۱۹۵:

<p>كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنِ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (۱۸۰)</p> <p>بر شما مقرر شده است که هرگاه مرگ کسی از شما فرا رسد اگر مالی بر جای گذاشت، برای پدر و مادر و نزدیکان، مطابق عرف [مقداری را] وصیت کند که این شایسته پرهیزکاران است.</p>
<p>فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۸۱)</p> <p>پس هر که آن وصیت را بشنود و تغییر دهد، تنها گناهش بر کسانی است که آن را تغییر می‌دهند همانا خدا شنوا و آگاه است.</p>
<p>فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۸۲)</p> <p>پس هر که از انحراف یا گناه وصیت کننده بیم داشت، و میانشان سازش داد، گناهی بر او نیست. همانا خدا آمرزنده‌ی مهربان است.</p>
<p>يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۸۳)</p> <p>ای اهل ایمان! روزه بر شما مقرر و لازم شده، همان گونه که بر پیشینیان شما مقرر و لازم شد، تا پرهیزکار شوید.</p>
<p>أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۸۴)</p> <p>روزهای شمرده شده‌ای را [روزه بدارید] و هر که از شما بیمار یا در سفر باشد، روزهای دیگری [روزه بگیرد]، و بر کسانی که روزه طاقت فرساست در عوض [هر روز] تهیدستی را طعام دهند، و هر که با میل کار خیری کند آن برایش بهتر است، و روزه گرفتن برای شما بهتر است، اگر می‌دانستید.</p>
<p>شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۸۵)</p> <p>ماه رمضان ماهی است که قرآن به عنوان راهنمای مردم و حجت‌های روشنگر و فارق میان حق و باطل در آن نازل شده است پس هر که از شما این ماه را دریافت، روزه بگیرد و هر که بیمار یا در سفر بود، به همان تعداد در روزهای دیگر [قضا کند]. خدا برای شما آسانی می‌خواهد و سختی نمی‌خواهد و تا [بدین ترتیب] [تعداد] روزها را کامل کنید و خدا را به خاطر این که هدایتان کرده بزرگ دارید، و باشد که سپاسگزاری کنید.</p>
<p>وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (۱۸۶)</p> <p>و چون بندگان من از تو در باره‌ی من بپرسند، همانا من [به آنها] نزدیکم و دعای دعا کننده را وقتی که مرا بخواند پاسخ می‌دهم، پس آنها نیز دعوت مرا اجابت کنند و به من ایمان بیاورند، باشد که راه یابند.</p>
<p>أَحَلَّ لَكُمُ اللَّيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّقْتُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَخْتَانُونَ أَنفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَبِينَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَىٰ اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ بَيَّنَّ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۱۸۷)</p> <p>در شب‌های روزه برای شما نزدیکی با همسرانتان حلال شد. آنها برای شما لباسند و شما برای آنها لباسید. خدا می‌دانست که شما به خود خیانت می‌کنید، پس از شما درگذشت و شما را بخشید. پس حالا با آنها مباشرت کنید و آنچه را خدا بر شما مقرر کرده است طلب نمایید، و بخورید و بیاشامید تا رشته سپید [بامداد] از رشته سیاه [شب] نمایان شود، آن‌گاه روزه را تا شب به پایان برید، و در حالی که در مساجد معتکفید با زنان میامیزید. اینها حدود الهی است، پس به [حرام] آنها نزدیک نشوید. بدین‌سان خدا آیات خویش را برای مردم روشن می‌سازد، باشد که تقوا پیش گیرند.</p>
<p>وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتَدُلُّوا بِهَا إِلَىٰ الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۸۸)</p> <p>و در روابط خود اموال یکدیگر را به ناحق نخورید و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، [قضیه] آن را به حاکمان مکشانید در حالی که شما [حقیقت را]</p>

می‌دانید.

يَسْتَلُوْكَ عَنِ الْاٰهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيْتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجَّ وَلَيْسَ الْاِبْرَءَانُ تَاْتُوا الْبَيْتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْاِبْرَءَانَ مِنْ اَتَقَى وَاتُوا الْبَيْتَ مِنْ اَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ (۱۸۹)

از تو در باره‌ی هلال‌ها می‌پرسند، بگو: آن تقویمی برای مردم و موسم حج است، و نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید، بلکه نیکی آن است که شخص تقوا پیشه کند. و از در خانه‌ها وارد شوید و از خدا بترسید تا شاید رستگار شوید.

وَ قَاتِلُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ الَّذِيْنَ يُقَاتِلُوْكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوْا اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِيْنَ (۱۹۰)

و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند نبرد کنید ولی تجاوز نکنید همانا خدا تجاوزگران را دوست ندارد.

وَ اَقْتُلُوْهُمْ حَيْثُ تَفْتَنُوْهُمْ وَ اَخْرِجُوْهُمْ مِنْ حَيْثُ اَخْرَجُوْكُمْ وَ الْفِتْنَةُ اَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا تُقَاتِلُوْهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتّٰى يُقَاتِلُوْكُمْ فِيْهِ فَاِنْ قَاتَلُوْكُمْ فَاقْتُلُوْهُمْ كَذٰلِكَ جَزَاءُ الْكٰفِرِيْنَ (۱۹۱)

و آنها را هر جا یافتید بکشید، و از جایی که شما را بیرون کردند بیرون کنید، و فتنه از قتل بدتر است، و با آنها در کنار مسجد الحرام جنگ نکنید مگر این که آنها به جنگ پیشدستی کنند، پس اگر با شما جنگیدند آنها را بکشید که سزای کافران همین است.

فَاِنْ اَنْتَهُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ (۱۹۲)

پس اگر دست برداشتند، البته خدا آمرزنده‌ی مهربان است.

وَ قَاتِلُوْهُمْ حَتّٰى لَا تَكُوْنَ فِتْنَةٌ وَ يَكُوْنَ الدِّيْنُ لِلّٰهِ فَاِنْ اَنْتَهُوْا فَلَا عُدُوَانَ اِلَّا عَلٰى الظّٰلِمِيْنَ (۱۹۳)

و با آنها بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین ویژه‌ی خدای یکتا گردد، و اگر دست برداشتند، دشمنی جز بر ضد ستمگران [روا] نیست.

الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللّٰهَ وَ اعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ مَعَ الْمُتَّقِيْنَ (۱۹۴)

ماه حرام در برابر ماه حرام است و حرمت [شکنی] ها قصاص دارد. پس هر که به شما تعدی کرد با او مقابله به مثل کنید و از خدا پروا دارید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است.

وَ اتَّقُوا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَ لَا تُلْقُوا بِاَيْدِيْكُمْ اِلَى التَّهْلُكَةِ وَ اٰحْسِنُوْا اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ (۱۹۵)

و در راه خدا انفاق کنید، و خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید، و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد.

- آیه ۱۸۰: حقیقتی در عالم هستی وجود دارد به نام «کتاب». در آیات ابتدایی سوره مبارکه بقره درباره «کتاب» سخن گفته شد.

گفتیم، به قوانین ثبت شده‌ی عالم هستی، «کتاب» گفته می‌شود. قوانینی که منشور اصلی هر اتفاقی در عالم هستی است. هر آنچه درباره

هدایت و ... مطرح می‌شود ناظر به «کتاب» است. بحث کتاب در هستی بسیار عمیق‌تر از مثال DNA در موجودات است. در هر

موجودی DNA وجود دارد، لاجرم هر موجودی بر اساس ژن ثبت شده‌اش عمل می‌کند.

- کل عالم هستی طبق کتابی عمل می‌کند و این مهم است که بدانیم بازیگر عالم هستی هستیم که بر اساس فیلم نامه‌ای مشخص عمل

می‌کنیم. با این تعبیر «تقوا» چنین است که ما نباید موجودی گستاخ باشیم که روی صحنه تئاتر برویم و هر آنچه بخواهیم عمل کنیم و

اگر بر اساس فیلم‌نامه عمل کنیم، همان بی‌تقوایی است. بازیگری که وفادار به فیلم‌نامه نماند دیگر بازیگر نیست.

- «تقوا» یعنی ما همه کارهایمان را بر اساس کتاب انجام دهیم. حتی آب نمی‌خورم مگر اینکه در فیلم‌نامه نوشته شده باشد. فیلم‌نامه

فقط برای آدم‌های متقی باعث هدایت است. کتاب برای کسی هدایت است که اهل تقواست. حقیقت و قوانین کتاب وقتی در زندگی

آورده می‌شود و به صورت قانونی مسلم در می‌آید به آن «کُتِبَ» گویند.

- قوانینی که خدا در قرآن درباره آن کُتِبَ می‌آورد یعنی قوانین قطعی در عرصه زندگی اجتماعی هستند که وقتی خدا درباره آنها

کُتِبَ می‌آورد یعنی این قوانین جزء شاه‌بیت‌های عالم هستی است. اثر این قوانین در زندگی بسیار زیاد است آنقدر که لازم است

خدا، نوشته بودنش را به انسان تذکر دهد.

- در عالم هستی هر کس بخواهد بر خلاف فیلم‌نامه عمل کند چیزی از او نمی‌ماند. نظام عالم هستی، نظام تسویه است و اگر کسی بخواهد خارج از آن نظام عمل کند بقیه آن را سر راه می‌آورند. (در سوره شمس آمده است: **فَدَمَدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا (۱۴)**)).

اگر انسان عاقل باشد فقط طبق فیلم‌نامه عالم هستی که خدا آن را نوشته است عمل می‌کند.

- قانون «وصیت» هم بسیار مهم است و حقی مهم است بر گردن متقین که باید صورت گیرد.

- آیه ۱۸۴: خدا با قوانین نمی‌خواهد برای انسان‌ها عُسْر و حَرَج ایجاد کند و گرنه همه ۱۲ ماه را ماه رمضان اعلام می‌کرد.

- خدا از ما چیزهای عجیب و غریب نخواسته است و همه آنچه خواسته است به نفع ماست.

- آیه ۱۸۵: این آیه شاهکار ماه مبارک رمضان است. به خدا قسم، خدا نمی‌خواهد بنده را آزار دهد و هر آنچه گفته است به نفع خودمان است (**يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ**). یعنی اگر جایی حلال و حرامی برای ما سخت شد بدانیم که از این ساده‌تر نمی‌شده است و این حد حیات است. البته خدا هم حلال و حرامش را به خاطر ترس انسان‌ها کم و زیاد نمی‌کند.

- هر اتفاقی برای زندگی ما می‌افتد، ساده‌ترین حالتی است که می‌شده در مسیر رشد ما اتفاق بیفتد مگر اینکه خودمان بخواهیم از مسیر رشد دست برداریم.

- باید نسبت به خدا «حُسن ظن و اعتماد» داشته باشیم. حداقل به اندازه یک مادر به خدا اعتماد داشته باشیم.

- آیه ۱۸۶: مگر می‌شود بنده‌ای صدای خود را بلند کند و خدای خود را بخواند و از جانب خدا پاسخ نشنود!!!

- ملاقات با خدا، از هر ملاقاتی آسان‌تر است. خدا را بخوانید، اگر او را قریب نیافتید!! به این معنا که حتماً او را قریب خواهید یافت.

- عُسْرهای زندگی با شکوه‌اند به شرط آنکه آنها را برای رسیدن به خدا بهانه کنیم. روزی می‌شود که سختی‌های زندگی‌مان را برمی‌دارند و آنگاه حسرت و افسوس می‌خوریم که ای کاش باز هم سختی‌ها بودند زیرا در صورت عدم ابتلاء، کمتر به یاد خدا می‌افتیم.

- البته به شرط اینکه خدا را بخوانیم. (**إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي**)

- اگر همه اسباب باشند و خدا نخواهد، نمی‌شود و اگر همه اسباب نباشند و خدا بخواهد، می‌شود. اگر همه اسباب بودند و ما خیالمان راحت شد معلوم است به خدا اعتماد نداریم و اگر همه اسباب نبودند و ما ناامید نشدیم یعنی به خدا اعتماد داریم.

- البته خداوند همیشه نزدیک است و نزدیکی خدا مربوط به امروز و دیروز نیست اما به برکت «دعا» نزدیک بودن خدا را می‌فهمیم. وقتی خدا نزدیک باشد دیگر گناه نمی‌کنیم و ناامید نمی‌شویم و دل به بقیه نمی‌بندیم و ... اگر کسی می‌خواهد گناه نکند و دنیا او را مست و مدحوش نکند، دعا بخواند. دعا نزدیک بودن خدا را آشکار می‌کند.

- این قانون (آیه ۱۸۶) مکرر در قرآن تکرار شده است که «هر کس گامی برای خدا بردارد لاجرم خدا گام‌هایی برمی‌دارد». این قانون در عالم نوشته شده است. اجازه داده‌اند ما دست و پای بزنی، سپس اجابت کنند. «دعا» یعنی خواندن خدا و باید خدا را بخوانیم تا جواب بشنویم.

- شرط ماجرای دعا کردن و اجابت شنیدن این است که اگر خدا ما را دعوت می‌کند ما هم جواب دهیم. خدا اگر ما را به صیام و جهاد و ... دعوت می‌کند، ما هم باید گوش دهیم. کارهای ما در خدا هیچ تأثیری ندارد و خدا ذره‌ای تبدیل و تبدل ندارد. باید به خدا اعتماد و اعتقاد قلبی داشته باشیم.

- به بیانی دیگر هر رشدی عبارت است از دعا. میزان رشد یک انسان بسته به میزان دعاهاى اوست. يعنى ما به ازای هر موقعیتی توجه او به خداست و فقط خدا را می خواند و می خواهد. کسانی هستند که در عالم هیچ چیز نمی خواهند مگر وجه ربّ.

- آیه ۱۸۷: این آیه احکام روزه را می گوید. می گوید: در شب های ماه مبارک رمضان برای رابطه زناشویی اجازه داده شده است اما حق مطلب این است که در ماه مبارک رمضان این رابطه نباشد. یعنی به نظر می رسد که رابطه نداشتن در ماه رمضان استحباب دارد. خدا استحباب آن را برای این گذاشته است زیرا نخواستہ بر بندگان عسر گیرد.

- ابتغاء کنید آن چیزی را که خدا برای شما خواسته است. انسان اگر طبق قانون کتاب عمل کند، طبق قانون کتاب هم مقدرات برای او رقم می خورد. این گونه دیگر ترسی وجود نخواهد داشت زیرا در قوانین کتاب و مقدراتش برای هیچ کس ضلالت و بدبختی نخواسته اند.

- محدوده روزه نیز در این آیه مشخص شده است که خوردن و آشامیدن آن از چه زمانی است لذا امساک از خوردن و آشامیدن هم مشخص می شود. (وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ)

- حکم «مباشرت در اعتکاف» هم در این آیه بیان شده است.

- تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا: اینها حدود الهی است و انسان ها نباید به آن نزدیک شوند. نزدیک نشدن یعنی وقتی چیزی حدود خداست، انسان نباید مقدمات نزدیک شدن به آن را هم فراهم کند.

- كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ: همین احکام «آیات الهی» هستند. زیرا اینها دلالت هایی هستند که انسان می تواند به وسیله آنها به خداوند نزدیک شود. یعنی خدا از همین احکام می خواهد دلالت ایجاد کند برای نزدیک شدن به خودش.

- مهم است که احکام خدا را «آیه» ببینیم به جای اینکه بار و دستور ببینیم.

- وقتی احکام «آیه» نامیده شده اند یعنی تمام احکام جای «تدبر» دارد و مکتب معرفت است و نباید به شکل دستور به آنها نگاه کرد.

- لذا به احکام خدا نباید به شکل دستور نگاه کرد بلکه باید به شکل معرفتی ببینیم که راضی نشده اند شناختی بمانند.

- مثلاً همه معارف در نماز جمع شده است و با خواندن نماز می توان به آن معرفت رسید.

- در روزه، نماز، قصاص، وصیت و ... به اندازه هزاران کتاب مطلب خوابیده است (کُتِبَ). چون برای ما ساده کرده اند می پنداریم این معارف ساده هستند!!!

- آیه ۱۸۸: احکام دیگری نیز به ضمیمه اضافه شده است. اینگونه نیست که کسی بگوید: فلان چیز مال من است و اختیارش را دارم و هر کاری بخواهم با آن می کنم. در کتاب عالم نوشته شده است که مالتان را چگونه باید مصرف کنید حتی اولویت بندی های آن را نیز گفته اند. اصلاً اینگونه نیست بلکه هر چیزی سند دارد و باید طبق سند آن را خرج و استفاده کنید.

- «ظالم و مظلوم» هر دو مقصرند. همیشه درصدی از افراد در جامعه وجود دارند که خلاف عمل می کنند، لذا شیطان اینگونه القاء می کند که: «اگر تو این کار بد را انجام ندهی، دیگرانی وجود دارند که این کار را انجام دهند». شیطان با این القاء به صورت توهمی درصد خلاف کاراران را بالا می برد. لذا برای مقابله با شیطان باید هر کسی از خودش شروع کند و به خودش بگوید: «من نباید این کار بد را انجام دهم».

زنگ دوم:

- آیه ۱۸۹: نیکی کردن خوب است به شرط اینکه تقوای آن رعایت شود. نمی توان از راه حرام پول به دست آوریم به نیت اینکه می - خواهیم به دیگران ببخشیم. انسان می خواهد کار نیک انجام دهد باید قوانین آن را رعایت کند، انجام کار نیک بدون در نظر گرفتن قوانینش خطاست.

- آیه ۱۹۰: با آنها که با دین خدا می جنگند بجنگید، اما جنگیدن هم قاعده دارد. یعنی چون او دشمن خداست، نمی توانید در هنگام غضب هرکاری دلتان خواست با او کنید. تقوا، همه جا تقواست. اصل با تقواست و هر آنچه که تقوا را خراب کند قطعاً اشکال دارد. حتی در دشمنی با دشمن نیز باید تقوا داشته باشیم.

- آیه ۱۹۱: اینها احکام اجتماعی بسیار مهمی است که بحث بسیار زیادی دارد. مقاتله با کفر، مقاتله خانه به خانه و شهر به شهر است و هرگونه می توانید باید این مقاتله را انجام دهید. این موارد مسامحه بردار نیست.

- معنی ندارد کفر فرصت جبران و زندگی داشته باشد. ما باید با تمام نیرو با کفر بجنگیم اما در جنگیدنمان «تقوا» داشته باشیم و بیش از گناهِش با او برخورد نکنیم.

- توجه: مسامحه کردن در جایی و در برابر کسی که باید شدت عمل داشت، نوعی بی تقوایی است. ما با تمام نیرو با دشمن می جنگیم اما در جنگیدنمان تقوا را رعایت می کنیم مثلاً به او دروغ نمی بندیم و تهمت ناروا نمی زنیم. بیش از خطایش مجازاتش نمی کنیم. انسان متقی در همه جا متقی است حتی در جنگ.

- نکته مهم: «فتنه» ایجاد چالش هایی در زندگی است که مردم در دو راهی دین و بی دینی، دنیا و آخرت، شهوت و تبعیت از حکم و ... دچار چالش می شوند.

- «دچار فتنه کردن» از «قتل» بدتر است. وقتی فردی دچار فتنه می شود می تواند «سوء» انجام دهد و ممکن است عاقبتش از بین رود در حالی که اگر کشته شود دیگر نمی تواند سوء انجام دهد. به همین علت صراحتاً در قرآن داریم که قتال تا آن زمان ادامه دارد که ما از فتنه ها رها شویم.

- متأسفانه باطل در راه باطلشان بسیار راسخ هستند اما ما در راه حقمان راسخ نیستیم.

- از نظر اسلام «قتال» تا جایی است که «فتنه» برطرف شود.

- سه حیثیت جهاد در قرآن:

۱- جهاد برای رفع فتنه

۲- جهاد برای نجات مستضعف

۳- جهاد برای گسترش اسلام در عالم

- نکته: در هر سه نوع از جهاد که در بالا آمده است، وارد جنگ شدن و دست به شمشیر شدن طرف مقابل ملاک نیست. ممکن است دشمن دست به شمشیر نبرد اما بر ما لازم باشد که دست به شمشیر ببریم.

- برای خدا مهم است که ندایی در عالم بلند شود و بگوید: «من دارم با فتنه می جنگم». این گونه دل مستضعفین عالم شاد می شود.

- توجه مهم: شعار بدون شعور حتماً غلط است اما شعور بدون شعار هم غلط است.

- امام حسن (ع) با معاویه صلح کرد اما باز هم آنان او را شهید کردند. علتش این بود که امام حسن (ع) صلح کردند اما پرچم قرمز جنگ امام حسن (ع) با دشمن بالا بود.
- برای خدا مهم است که انسان برای جنگیدن با باطل صدایش بلند باشد، ولو مانند امام حسین شهید شود و یا اینکه سرش بر بالای دار برود و
- رفاقت با دشمن معنی ندارد. بیرون میز مذاکره تمام تلاشمان را برای نابودی دشمن می کنیم.
- ما وظیفه داریم تا هنگامی که فتنه در عالم است بجنگیم. امام خمینی (ره) فرمودند: «تا محو اسرائیل در عالم باید بجنگیم».
- درست است که گفته شده: حرمت شهر حرام باید نگه داشته شود و در شهر حرام نجنگید، اما نه اینکه وقتی دشمن در ماه حرام با ما می جنگد ما در برابر او ایستادگی نکنیم.
- تنها ماندن دین خدا به بهانه ماه حرام و جنگ در ماه حرام، بی تقوایی است. اجازه دادن به دشمن که او فتنه کند و با او نجنگیدن، بی تقوایی است و ... نجنگیدن با دشمن و فتنه هایش به بهانه های عبادی، اخلاقی و ... بی تقوایی است. تقوا این است که معرفتمان را داشته باشیم اما از دین خدا هم دفاع کنیم. باید با جنگیدن و گذاشتن جان کف دستمان از حق دفاع کنیم.
- آیه ۱۹۲: تقوا این است که اگر در هنگام جنگ، دشمن دست از جنگ برداشت شما هم دست از جنگ بردارید. اگر دشمن عذرخواهی کرد ولی ما باز هم به جنگ ادامه دادیم بی تقوایی است.
- آیه ۱۹۳: جنگ باید آنقدر ادامه پیدا کند تا فتنه در عالم رفع شود. تا وقتی حکومت و جریانی در عالم می تواند فتنه ایجاد کند، باید جنگید.
- توجه: هرگاه در فتنه ها، دشمن به کشتن افراد روی آورد، این نشانه ضعف دشمن است زیرا نتوانسته است فتنه کند لذا مجبور به کشتن است.
- باید غیرت داشته باشیم و در عالم فریاد بزنیم و در مقابل دشمن بایستیم.
- ما نیز در جهاد و جنگ با دشمن بسیار مسئولیم و باید ببینیم چه کاری از دستمان برمی آید آن را انجام دهیم.
- اگر در عالم موسایی پیدا نشود، کاخ فرعونى به لرزه در نمی آید.
- باید سر شیعه قیمت داشته باشد. دشمن باید برای سر شیعه جایزه تعیین کند.
- اگر دشمن در مبارزه با جناح حق، چاره ای جز کشتن نداشته باشد، به این معناست که حق پیروز شده است.
- حضرت موسی (ع) و حضرت ابراهیم (ع) دست خالی به مبارزه با دشمن پرداختند اما پیروز شدند.
- برای تغییر و اصلاح، احتیاج به اتفاق خاصی نیست فقط کافی است اراده کنیم و از خدا بخواهیم، اصلاح صورت می گیرد.
- هر چقدر در عرصه فردی «محاسبه، تأمل و ...» تقوا می باشد، در عرصه اجتماعی، محاسبه و تأملی که گرفتگی ایجاد کند، بی تقوایی است.
- نکته: اگر در عرصه مبارزه و جهاد نتوانیم کاری را انجام دهیم ولی آن را قبول کنیم، بی تقوایی است و برعکس اگر بتوانیم کاری را انجام دهیم ولی کنار بکشیم و انجام ندهیم، این نیز بی تقوایی است.

- آیه ۱۹۴: اگر آنها حرمت چیزی را شکستند شما حق ندارید حرمت نگه دارید و آنها که در ماه حرام با شما جنگیدند شما هم باید در برابر آنها در ماه حرام بایستید.

- آیه ۱۹۵: «انفاق» کنید اما در انفاق تقوا داشته باشید. انسان به گونه‌ای انفاق نمی‌کند که خودش را به هلاکت بیندازد.

- همه حرف این سوره، بر سر تقواست. جنگیدن، نیکی کردن، انفاق کردن و ... در همه حالات تقوا داشته باشید. حدود هر چیزی را نگه دارید.

اللهم صل على محمد وآل محمد واحمد رب العالمين